



▲ قتل عثمان، ۶۵۶ میلادی، کتاب تاریخ ملل

می دهد که او هیچ نامه‌ای به آن‌ها ننوشته است. یکی از معترضان رو به جمعیت کرده و آن‌ها را مورد خطاب قرار می دهد که ای جماعت، شما به جهت علی با عثمان به نبرد برخاسته اید و به جهت او بر عثمان خشم گرفته اید (که حتی حاضر به همراهی با شما نیست)؟ سپس علی از مدینه خارج شده و به روستایی در اطراف مدینه رفته است. معترضان نزد عثمان رفته و او نوشتن نامه را انکار می کند. در این گزارش همچنان ترفند سانسور را می توان دید. از سوی دیگر، در این خبر، مشارکت داشتن علی در تحریک معترضان با نگارش نامه ذکر شده است (ابداع نقش جدید). با این حال در ادامه خبر با نقل اینکه علی مدینه را ترک کرده نقش نسبت داده شده به او در تحریک علیه عثمان کمی تلطیف شده، اما عملاً انکار نمی شود. این دوروایت به وضوح رویکرد عثمانی-شامی دارند که سلسله روایت اسناد آن‌ها نیز مؤیدی دیگر بر این ادعا هستند.

روایت بعدی برگرفته از ابومخنف است و شکل روشن تری دارد.

جامع که بر اساس تحریرهای مختلف تدوین شده بود، تحریرهای مختلف از گردونه روایت و تدریس خارج شده است.

برای توضیح این مطالب می توانیم اخبار مربوط به ماجرای بازگشت معترضان به عثمان را که این شبه (متوفی ۲۶۲) از منابع مختلف نقل کرده مثال بزنیم<sup>۳</sup> که بررسی این اخبار موارد اشاره شده را به خوبی نشان می دهد. مشهور آن است که بعد از مصالحه میان عثمان و معترضان به او پیکي به سمت والی مصر، عبدالله بن سعد بن ابی سرح، فرستاده شده بود که نامه‌ای از عثمان به خط مروان و مهر عثمان را در برداشته است. در نامه اخیر دستور مجازات شماری از معترضان داده شده بود. در میانه راه، پیک حامل نامه عثمان با معترضان مواجه می شود و آن‌ها به متن نامه دست یافته و بار دیگر به مدینه باز می گردند. اسناد آمده در آغاز هر کدام از اخبار تاریخی که این شبه آورده می تواند علت اشکال مختلف تغییرات ایجاد شده در اخبار و گزارش‌های مختلف را نیز توضیح دهد.

نخستین خبری که این شبه آورده تغییرات چندی دارد. در این خبر ماجرای یافت شدن نامه با حذف هویت حامل آن، یعنی غلام و پیک عثمان، همراه است. معترضان در مکانی به نام ذی مروه به فردی از موالی عمر بن خطاب برخورد کرده و با او همسفره می شوند که یکی از ابزارهای همراهی وی موجب شک آن‌ها می شود. با بررسی آن، نامه در آن یافت می شود که در آن عثمان به عامل خود در مصر دستور داده بود که چون معترضان به مصر رسند با آن‌ها چنین و چنان کند. معترضان به مدینه بازمی گردند. میان هواداران علی علیه السلام چنین شایع شده بود که این نامه را عثمان نوشته و هواداران عثمان می گفتند که نامه را علی علیه السلام نوشته است. علی کسی را به نزد عثمان می فرستد و به او می گوید که حاضر است تا پانصد نفر مبارز را برای دفاع از وی بفرستد، چرا که وی توبه کرده و کاری خلاف آن انجام نداده است که ریختن خون او بدان سبب حلال شود. همین گونه زیرین عوام به عثمان پیام می دهد که حاضر است تا از عثمان دفاع کند. عثمان به هر دو پاسخ می دهد که دوست ندارد به سبب او خونی ریخته شود. در این روایت عاقدانه هویت پیک عثمان تغییر داده شده است و شخصیت جدیدی به جای او معرفی شده است. همچنین این مطلب که معترضان بعد از یافتن نامه به مدینه رفته و نخست به نزد علی رفته‌اند حذف شده و به جای آن شایعات متداول در مدینه در خصوص کسی که نامه را نوشته نقل شده است و این مطلب که نامه به خط مروان و همراه با مهر عثمان بوده حذف شده است. در آخر خبر نیز به علی علیه السلام نسبت داده شده که بر بی گناهی عثمان تأکید کرده و با پیامی که به عثمان فرستاده عملاً نقش داشتن عثمان در نگارش نامه را رد کرده است.<sup>۴</sup> در این روایت، دستور عثمان به والی خود در مصر به شکل مبهمی ذکر شده است و دقیقاً نمی توان فهمید که او چه دستوری در خصوص معترضان داده و یا اینکه دقیقاً چه کسانی مدنظر او بوده‌اند.

روایت دوم که این شبه آورده هویت حامل نامه را ذکر کرده و درباره محتوای نامه بدون اشاره به اسامی اشخاص از دستور عثمان به قتل و قطع دست و پای شماری از معترضان اشاره شده است. معترضان بعد از یافتن نامه به مدینه آمده و به نزد علی می روند و او را از محتوای نامه مطلع می کنند و از او می خواهند که همراه آن‌ها به نزد عثمان بیاید. علی از همراهی با آن‌ها تن می زند و معترضان به او می گویند که چرا از همراهی با آن‌ها اجتناب می کند، چرا که او خود به آن‌ها نامه نوشته بود و آن‌ها را علیه عثمان تحریک کرده بود. علی پاسخ